

سیره و تفکرات تقریبی

آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله

عبدالرحیم ابادری

چکیده

آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله در بروجرد، اصفهان و نجف اشرف از محضر علمای بزرگ زمان خود، فقه، اصول و فلسفه آموخت و به درجه اجتهاد رسید. پس از مهاجرت ایشان به شهر قم در ماه صفر سال ۱۳۶۴ قمری به مدت شانزده سال مرجعیت و رهبری شیعیان را بر عهده داشت.

ایشان با اشراف کامل بر کتاب‌ها و منابع فقهی اهل سنت می‌کوشید زمینه را برای وحدت بین شیعه و سنی و تقریب مذاهب اسلامی فراهم کند. آیت‌الله بروجردی رحمته الله هیچ‌گاه به آرا و نظرات فقهای اهل سنت به دید منفی نمی‌نگریست و تلاش می‌کرد با دستیابی به دلایل آنان، موضوع را ریشه‌یابی کند. ایشان که شیفته وحدت میان مذاهب بود، سامان دادن به این امر را از وظایف اصلی دانشمندان شیعه می‌دانست و از هر کوششی در این زمینه پشتیبانی می‌کرد. در این راستا نامه‌نگاری‌هایی نیز با برخی علمای الازهر و نیز مقامات وقت عربستان سعودی داشت.

این نوشتار، ضمن بیان سیر اندیشه‌های تقریبی آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله و اقدامات عملی ایشان در زمینه تقریب مذاهب اسلامی، متن برخی نامه‌های ردوبدل شده بین ایشان و بزرگان اهل سنت و نیز نظر برخی از علمای شیعه درباره اندیشه‌های تقریبی ایشان را بازگو کرده است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله، تقریب مذاهب اسلامی، الازهر،

شیعه، سنی.

آیت‌الله العظمی حاج سید حسین طباطبایی بروجردی در ماه صفر ۱۲۹۲ قمری در شهر بروجرد به دنیا آمد. با اشراف پدر دانشمندش مرحوم حاج سید علی طباطبائی به مکتب‌خانه رفت و مقدمات علوم اسلامی را در همان شهر آموخت. سال ۱۳۱۰، در هجده سالگی به حوزه علمیه اصفهان رفت و در آن‌جا به مدت چهار سال از محضر بزرگانی مانند: میرزا ابوالعالی کلباسی، سید محمد تقی مدرس، سید محمد باقر درچه‌ای، جهانگیرخان قشقایی و ملا محمد کاشانی، فقه، اصول، فلسفه آموخت.^۱ سپس به بروجرد بازگشت و پس از توفقی کوتاه در وطن، دوباره به اصفهان آمد و پنج سال در حوزه اصفهان ادامه تحصیل داد.

در سال ۱۳۱۹ق عازم حوزه نجف شد و به مدت نه سال از محضر علمی آیات عظام: آخوند خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده وافر برد و به درجه اجتهاد رسید. در ۱۳۲۸ق به زادگاه خویش بازگشت و در حدود سی سال در این شهر به تدریس، تحقیق و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری را در آن حوزه تربیت نمود.

آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۶۴ق برای معالجه از بروجرد به تهران عزیمت کرد و در بیمارستان فیروزآبادی طی دو مرحله مورد عمل جراحی قرار گرفت. در این هنگام چند نفر از علمای سرشناس قم از جمله امام خمینی که از مدت‌ها پیش منتظر چنین فرصتی بودند، از ایشان خواستند تا به حوزه قم تشریف بیاورند و مدیریت حوزه و مرجعیت جهان تشیع را بر عهده بگیرند.

این پیشنهاد پس از گفت‌وگوها و رفت‌وآمدهای متعدد در نهایت مورد قبول معظم‌له

واقع شد و ایشان عصر روز پنج‌شنبه ۲۶ صفر ۱۳۶۴ وارد قم شد و در مدت شانزده سال رهبری و مرجعیت حوزه و جهان تشیع، خدمات بسیار ارزشمندی را در ابعاد گوناگون از خود به یادگار نهادند که از جمله مهم‌ترین آنها فعالیت‌های تقریبی آن مرجع بزرگ است.^۲

شاخسارهای تقریبی

آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه به عنوان یک شخصیت علمی و مرجعیت دینی، بر کتب، منابع و آراء فقهی و فتوایی علمای اهل سنت اشراف کامل داشت و اهتمام او به این موضوع، از همان آغاز تحقیق و تدریس و فعالیت‌های علمی وی کاملاً مشهود بود. این علم و آگاهی و اشراف، نه فقط در محدوده مذاهب اربعه، بلکه شامل نظرات و فتاویٰ صحابه و سایر فقها و اندیشمندان اهل سنت، مانند: لیث ثوری، اوزاعی و ظاهری و دیگران هم می‌شد؛ به طوری که وقتی برخی از شخصیت‌های اهل سنت به حضور ایشان می‌رسیدند و از نزدیک شاهد این حقیقت می‌شدند، انگشت حیرت به دهان می‌گرفتند و به عجز و ناآگاهی خود اذعان می‌کردند.^۳

او در اثر مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای که در این

موضوعات داشت، به این نتیجه رسیده بود که با آگاهی از

آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه به عنوان یک شخصیت علمی و مرجعیت دینی، بر کتب، منابع و آراء فقهی و فتوایی علمای اهل سنت اشراف کامل داشت و اهتمام او به این موضوع، از همان آغاز تحقیق و تدریس و فعالیت‌های علمی وی کاملاً مشهود بود.

محتوای روایات و فتاویٰ رایج اهل سنت در زمان امامان معصوم علیهم‌السلام بهتر و آسان‌تر و دقیق‌تر می‌توان محتوای روایات و منظور کلام معصومین علیهم‌السلام را دریافت. جمله معروفی از ایشان نقل است که می‌فرمود: «فقه شیعه در حاشیه فقه اهل سنت است.»^۴ یا «فقه شیعه ناظر بر فقه اهل سنت است.»^۵ زیرا در طول تاریخ، چون شیعه حکومت نداشت و اغلب حکومت

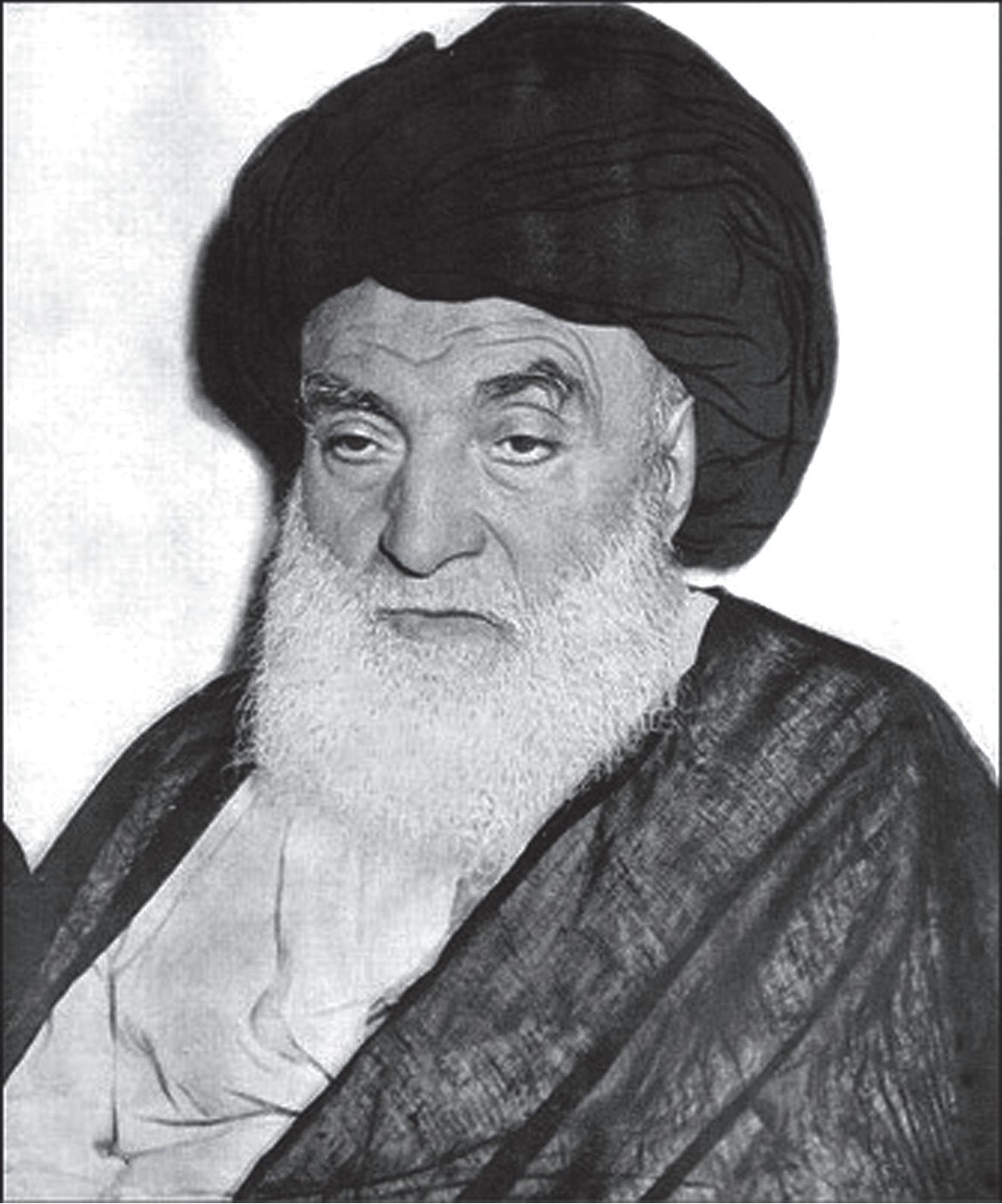
در دست بنی عباس بود و بیشتر فتاوی اهل تسنن در میان مردم رواج یافت، بنابراین محدثان و اصحاب امامان علیهم السلام نیز با توجه به فضای حاکم بر جامعه آن روز، از ائمه سؤال می کردند و امامان هم با توجه به همین معنا پاسخ می دادند و در واقع پاسخ های ائمه معصومین علیهم السلام ناظر بر فتاوی علمای اهل سنت بود که از سوی حاکم وقت حمایت می شدند. از این رو، آیت الله بروجردی تحقیق و مطالعه کتب و فتاوی علمای اهل تسنن را از مقدمات لازم برای فهم فقه و اجتهاد می دانست و خود معظم له در حد اعلی به آن ملتزم بود.

البته این تسلط و اشراف او را در چنان جایگاه رفیعی قرار داده بود که نسبت به نظرات و آراء علمای اهل سنت هرگز به دید منفی نمی نگریست؛ بلکه بیشتر سعی داشت تا به ادله آنها دست یابد و موضوع و مسئله را درست بررسی و ریشه یابی کند. مثلاً در وجوب ادای نماز در اول وقت که اغلب برادران اهل سنت بدان معتقدند و تاخیر آن را بدون عذر جایز نمی دانند، می فرمود:

... فتوای اهل سنت از این جا نشأت گرفته که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امام جماعت بود و امام جماعت باید در وقت معینی حضور یابد و پیغمبر، اول وقت را انتخاب کرده بود و صحابه و تابعین همان عمل پیغمبر را ملاک عمل قرار داده بودند که بعداً در مذاهب اهل سنت، منعکس گردید. در حالی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله گاهی در حال اختیار، اول وقت را رعایت نمی کرد و اهل بیت هم بدان تصریح کرده اند و همین امر ملاک فتوای معروف شیعه شده است. بنابراین ایشان، این پندار را که اهل سنت عمداً احکام را تغییر داده اند، نادرست می دانست و آن را رد می کرد.^۶

عاشق و دلباخته تقریب بین مذاهب اسلامی

وی با این مبانی فکری، از همان آغاز مرجعیت به امر «تقریب میان مذاهب» تأکید داشت و همواره آن را پی گیری می کرد و جزو ضرورت های جهان اسلام اعلام می نمود. ایشان اعتقاد داشت که سامان بخشیدن به این امر، از وظایف اولی و حیاتی هر عالم و دانشمند شیعی است. در روزهای آخر عمر شریفش، گاهی که به حالت اغماء می رفت و سپس به هوش می آمد، پیرامون این موضوع سؤال می کرد و می فرمود: آقای شیخ محمد تقی قمی به مصر رفت یا نه؟ (چون وی نماینده معظم له در جامع الازهر و مجمع تقریب در مصر بود و آن ایام به ایران آمده و در قم به سر می برد).^۷



شهید مطهری در مقاله‌ای با عنوان «مزایا و خدمات آیت‌الله بروجردی» می‌نویسد:

... یکی از مزایای معظم‌له توجه و علاقه فراوانی بود که به مسئله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی داشت. این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می‌دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست‌های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می‌کنند و بلکه آن را دامن می‌زنند و هم توجه داشت که بُعد و دوری شیعه از سایر فرق سبب شده است که آن‌ها شیعه را نشناسند و درباره آنها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند. به این جهات بسیار علاقه‌مند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است، تأمین گردد و از طرف دیگر، شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه، آن طور که هست، به جامعه سنی که اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند، معرفی می‌شود. از حسن تصادف، چند سال قبل از زعامت و ریاست معظم‌له که هنوز ایشان در بروجرد بودند، «دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه» به همت جمعی از روشنفکران سنی و شیعه تأسیس شده، معظم‌له در دوره زعامت خود تا حد ممکن با این فکر و با این مؤسسه کمک و همکاری می‌کرد. برای اولین بار بعد از چندین صد سال، بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او به فاصله دو سه سال شیخ محمود شلتوت مفتی حاضر و رئیس جامع ازهر، روابط دوستانه برقرار شد و نامه‌ها مبادله گردید... معظم‌له را باید گفت نسبت به این مسئله علاقه‌مند بود؛ بلکه باید گفت: عاشق و دل‌باخته این موضوع بود و مرغ دلش برای این موضوع پر می‌زد. عجیب این است که از دو منبع موثق شنیدم که در حادثه قلبی اخیر که منجر به فوت ایشان شد، بعد از حمله قلبی اولی که عارض شد و مدتی بیهوش بوده‌اند و بعد به هوش آمدند، قبل از آن که توجهی به حال خود نکنند و در این موضوع حرفی بزنند، موضوع تقریب و وحدت اسلامی را طرح می‌کنند و می‌گویند: من آرزوها در این زمینه داشتم.^۸

پشتیبانی از دارالتقريب

سال ۱۳۲۷ شمسی که «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» به ابتکار مرحوم شيخ محمدتقی قمی و با همکاری چند نفر از علمای جامع الازهر و برخی روحانیون شیعه تأسیس شد، آیت‌الله بروجردی به محض اطلاع، به حمایت جدی از آن برخاست. ضمن کمک‌های مالی به این مرکز، با ارتباط مکاتبه‌ای با شيخ الازهر «عبدالمجید سلیم» و سپس با «شيخ محمود شلتوت»، در واقع رابطه جهان تشیع را با دنیای اهل تسنن مستحکم‌تر ساخت و بسیاری از سوء تفاهمات و بدبینی‌های حاکم بر فضای آن روز را به دوستی، وحدت و تفاهم تبدیل کرد.^۹

برای آگاهی از عمق این روابط و نقش مثبت و کارساز آقای بروجردی در این مهم، به متن دو نامه تاریخی دو تن از شخصیت‌های سرشناس اهل سنت به ایشان توجه می‌کنیم:

نامه اول: از شيخ عبدالمجید سلیم

بسم الله الرحمن الرحيم. خدمت آیت‌الله السيد الجليل حاج آقا حسين بروجردی حفظه الله.

سلام عليكم و رحمة. اما بعد، استاد محترم، حضرت شيخ محمدتقی قمی، دبیر کل دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه پیام شفاهی آن جناب را که دستور داده بودید به من برسانند، ابلاغ نمودند.

شما اظهار لطف نموده و به ایشان از تقدیر و تشکر خود، درباره کوشش‌هایی که ما و جماعت تقرب بين المذاهب اسلامي در راه خدمت به اسلام و مسلمین می‌کنیم و از تأثیر این کوشش‌ها در راه وحدت کلمه مسلمین و ایجاد تفاهم بیشتر و هماهنگی بهتر و اصلاح فسادى که مغرضین به وجود آورده‌اند، سخن گفته‌اید. خدا می‌داند که این امر، بهترین و عزیزترین آرزوهای من در زندگی است و تا زنده‌ام، به خاطر آن و در راه آن کار می‌کنم و از خدای بزرگ مسئلت دارم که به این آرزوها، جامه عمل پوشاند و کسانی را که در راه آن می‌کوشند، تأیید فرماید.

از اعتماد و وثوق حضرت عالی نسبت به شخص من و از این عطف توجه به کوشش‌هایم تشکر می‌کنم. من با آن چه که از شما می‌دانم و سراغ دارم،

همکاری شما را در این جهاد خدایی بسیار بزرگ می‌شمارم؛ زیرا که شما با علم و دانش و مقام و نفوذی که در ایران و غیر ایران دارید، همیشه در راه اصلاح امر امت اسلام کار می‌کنید. فکر تقریب بین مذاهب اسلامی از توجه و عنایت شما بسیار بهره‌مند بوده و از کمک‌ها و مساعدت‌های پرارزش شما در مناسبات مختلف برخوردار بوده است؛ زیرا همان‌طور که از امثال جناب عالی انتظار می‌رود، با علم و تقوا و بصیرتی که دارید، ارزش و اهمیت بزرگداشت مقام مسلمین و تقویت شوکت و عظمت آنان و رساندن آنان را به مقام شاه‌مخ ولایتی که بایست بدان برسند، به خوبی درک کرده‌اید «ولله العزة و لرسوله للمؤمنين».

آقای بزرگوار! دانشمندان و علما که پرچمداران رسالت اسلامی هستند و به شهادت قرآن، با خدا و فرشتگان، قیام به عدالت دارند و وظیفه خطیر و مهمی بر عهده گرفته‌اند، لازم است که در تبلیغ این رسالت جهانی با همدیگر همکاری کنند و با همه دوری راه‌ها و اختلاف ملت‌ها، در اوضاع اسلامی تبادل نظر نمایند. روزگاری بر مسلمین گذشت که در آن، آماج بسیاری از دسیسه‌های فکری بودند و می‌خواستند آنان را از حق و حقیقت دور ساخته و به سوی باطل بکشانند و از دعوت به سوی خدا و جهاد در راه او بازداشته و مشغول به خود کنند و آنان را طوری با اختلاف و جدال‌ها از هم دور نمایند که به کلی نابود شوند و از بین بروند. هنوز هم آثار این دسیسه‌ها، بصیرت‌ها و عقل‌ها را تاریک ساخته و قلب‌ها و دل‌ها را به خود مشغول نموده و در میان بسیاری از مردم رسوخ دارد و آنان را از فهم صحیح حقیقت دین و درک اسرار و حقایق آن و قربانی دادن در راه اعتلای نام آن بازمی‌دارد.

پس اولین وظیفه‌ای که به عهده ما علمای اسلامی است، خواه شیعه باشیم یا سنی این است که: از اذهان و افکار مردم، این مطلب را پاک کنیم و حقایق ارج‌دار و روشن اسلام و اصول محکم و شریعت سهل و ساده آن را طوری نشر دهیم که مردم را با حقیقت و هدایت خداوند بیدار و بینا سازد و آنان را با قدرت و جمال دل‌آرایی که دارد، دربرگیرد. آنان را طوری تربیت کند که از روی فهم و محبت و علاقه پذیرای اسلام باشند، نه از روی تقلید و وراثت؛ زیرا هر کسی که حق را فهمید آن را دوست دارد و کسی که آن را دوست

داشت، ایمان می آورد؛ ایمانی که با وجود آن، فداکاری و از خودگذشتگی آسان می شود و هیچ یک از زرق و برق های دنیای مادی و فانی، مانع راه آن نمی تواند بشود.

دیگر این که اخیراً از فوت عالم جلیل مرحوم سید محسن امین عاملی باخبر شدم. من وقتی از علم و اخلاص و جهاد او در راه دین و ملت مطلبی شنیدم، از خبر وفات آن مرحوم سخت متاسف شدم و اکنون خالص ترین تسلیت های خود را به حضور جناب عالی و به همه برادران شیعه امامیه اعلام می دارم و از خدای بزرگ می خواهم که فقید محترم را غریق رحمت نماید و به ما و شما در این مصیبت اجر و ثواب صابرين عطا فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

جمادی الثانی ۱۳۷۱

عبدالمجید سلیم، الجامع الازهر - قاهره^۱

نامه دوم: از شیخ محمد شلتوت

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام علیکم ورحمة الله.

اما بعد: قبل از همه چیز از سلامت گران بهای آن برادر ارجمند جويا بوده و دعا می کنم که آن بزرگوار، همیشه مصدر و منبع برکات برای مسلمین و وحدت کلمه آنان باشد. خداوند عمر شما را طولانی کند و پیروزی و موفقیت را نصیب شما گرداند.

فرستی که با مسافرت برادر علامه و مکرم من، استاد قمی آیدالله فی جهاده المشکور، پیش آمد، مغتنم می شمارم تا نامه ای به ساحت آن جناب نوشته و از کوشش های شما تقدیر کنم و از خدای بزرگ و توانا خواستارم آنچه را که برای خیر و اصلاح مسلمین آرزو می کنید، تحقق بخشد و شما را در کوشش ها و زحمات اصلاح طلبانه، در راه جمع کلمه مسلمین و ایجاد الفت و محبت بین قلوب آنان بیش از پیش، موفق گرداند. من به شما مژده می دهم که گام ها و قدم های ما در راه تقریب این گام ها و قدم هایی که یقین دارم شما با تمام قوا آن را تأیید می فرمایید و به آن بزرگ ترین توجه و اهتمام و عنایت را مبذول

می‌دارید، به خواست و لطف خداوند و در سایه دعای خیر شما که بدرقه راه ماست، در راه پیشرفت موفقیت آمیزی پیش می‌رود.

گروه برگزیده‌ای از رجال الازهر و برادرانی که در تقریب صمیمانه جهاد کرده‌اند، از روی ایمان و یقین ما را کمک و یاری می‌کنند و به آنچه که برای دین و رسالت ارجدار جهانی و انسانی که بدان گردن نهاده‌اند، بر آنان واجب شده قیام و اقدام کنند.

من امیدوارم که برادر عزیز، جناب استاد قمی به زودی پیش ما برگردد تا ان شاء الله از اخبار مسرت‌بخش شما، خوشوقت شویم و از نظریات عالی و محکم شما در برآورده شدن آرزوها و آرمان‌های مشترک خود مطلع گردیم. من بسیاری از مسائل را برای ایشان توضیح دادم تا به تفصیل خدمت شما عرض کنند. والله المسؤول ان یجمع بیننا فی رضاه و ان یدیم ربط قلوبنا للعمل فی سبیله انه سمیع الدعاء لطیف لما یشاء.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

۲۴ ذی‌القعدة ۱۳۷۹

شیخ الجامع الازهر، محمود شلتوت.

همان‌گونه که از متن نامه‌ها به روشنی پیداست، رهبران مذهبی اهل سنت، مخصوصاً رؤسای دانشگاه الازهر، نسبت به شخص آیت‌الله بروجردی به دیده عزت، عظمت و اقتدار اسلامی می‌نگریستند. از مرحوم شیخ محمد تقی قمی نقل است که می‌گفت:

... وقتی نامه آقای بروجردی را برای شیخ مجید سلیم، رئیس وقت جامع الازهر می‌بردم، بلند می‌شد و نامه آقا را می‌گرفت، می‌بوسید و رئیس بعدی شیخ محمود شلتوت نیز در موقع قرائت نامه معظم‌له، به احترام آن بلند می‌شد، تمام قد می‌ایستاد و بعد نامه را می‌گرفت.^{۱۱}

آیت‌الله بروجردی تا آخر عمر شریف این موضوع را پیوسته دنبال می‌کرد و گاهی به مناسبت‌هایی در جلسات درس‌شان، از روند پیشرفت و رشد آن اظهار مسرت می‌کرد و می‌فرمود: «امر تقریب در حال پیشرفت است و خدا را شکر که ما هم در آن سهمی داشتیم».^{۱۲}

شیوه تقریبی آیت‌الله بروجردی

ایشان می‌فرمود: مورد اختلافی بین شیعه و سنی در دو نکته اساسی نهفته است: یکی جانشینی پیامبر و امامت و رهبری مسلمانان است و دیگر این که پس از رحلت پیامبر مسلمانان در عمل به احکام به چه کسی رجوع کنند و تکلیف روزمره خود را از کدام منبع بگیرند؟ بعد می‌فرمود: بحث پیرامون موضوع اول یک بحث تاریخی است. هر چه بوده، گذشته است و لزومی ندارد دوباره مطرح شود. به علاوه، تجربه هم نشان داده که طرح این سری از مسائل همواره سبب دردسر، اختلاف و منشأ سوءاستفاده‌های دشمنان مشترک بوده است؛ افزون بر این که اگر هم نتیجه‌ای علمی و عقیدتی داشته باشد - که دارد - این ثمره برای هر کدام از شیعه و سنی فی‌نفسه محترم است و ربطی به طرف مقابل ندارد. بنابراین آنچه امروز بسیار مهم است و می‌تواند نقطه مشترک میان شیعه و سنی باشد، بعد از کتاب آسمانی قرآن، محوریت اهل بیت است که دلیل آن «حدیث ثقلین» می‌باشد که از طریق فریقین با سلسله سند صحیح نقل شده است و همه نیز آن را قبول دارند.^{۱۳}

آقای هاشمی رفسنجانی در کنگره بزرگداشت آیت‌الله بروجردی و شیخ شلتوت، تفکر تقریبی معظم‌له را چنین تشریح کرد:

... آیت‌الله بروجردی در درس می‌گفت: اختلاف ما با اهل سنت در دو جهت است: یکی مسئله خلافت و دیگری مرجعیت اقوال ائمه و آنچه برای ما مهم است مسئله مرجعیت است و خلافت یک مسئله تاریخی بود که امروز قابل تکرار نمی‌باشد. باید با اهل سنت در مورد مرجعیت اقوال ائمه بحث کرد که در زمان ما مؤثر است.^{۱۴}

در نظر ایشان رسیدن به این هدف مقدس، از راه تمسک به حدیث ثقلین و معرفی امامان معصوم علیهم‌السلام به عنوان مصداق بارز اهل بیت، بهترین، آسان‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و معقول‌ترین راه بود و می‌فرمود:

مسئله خلافت امروز مورد حاجت مسلمانان نیست؛ زیرا خلافتی وجود ندارد که ما بر سر آن با هم دعوا کنیم. در گذشته هم لازم نیست که بدانیم خلیفه کجا بوده است. آنچه امروز مورد نیاز است در امامت، بُعد علمی آن است که ما ثابت کنیم احکام را باید از ائمه گرفت.^{۱۵}

مرحوم آیت‌الله آقای بروجردی در این باب حدیث معروف ثقلین را اساس کار خود قرار می‌داد و می‌فرمود:

اگر ما شیعیان، تنها به همین جهت که امروز مورد نیاز مسلمین است بسنده کنیم و مطلب خود را به طور معقول برای اهل سنت بیان نماییم به نتیجه می‌رسیم و می‌توانیم آنان را تا حدی قانع کنیم.^{۱۶}

او در مرحله عمل هم این مهم و شیوه را به طور جدی پی گرفت و در اقدامی اساسی دستور داد تا سلسله اسناد «حدیث ثقلین» گردآوری شد و این کار تحقیقی توسط مرحوم شیخ قوام‌الدین و شنوی انجام گرفت و از سوی «دارالتقریب» در مصر به چاپ رسید. آیت‌الله بروجردی در تلاش بود تا علمای شیعه و سنی به روایات، مبانی و ادله فقهی یکدیگر آشنا گردند تا جایی که در اثر تلاش‌های مخلصانه آن فقیه بزرگ، بسیاری از اعضا و شخصیت‌های برجسته دارالتقریب با فقه و مبانی شیعه آشنا شدند و حتی در مواردی مطابق فقه شیعه فتوا دادند.

کتاب «المختصر النافع» محقق حلی با سرمایه و همت وزارت اوقاف مصر و با مقدمه وزیر وقت وزارتخانه، آقای شیخ احمد حسن الباقوری چاپ شد. او در سفری به ایران آمد و با آیت‌الله بروجردی دیدار کرد و به شدت تحت تأثیر شخصیت آن مرجع بزرگ قرار گرفت.^{۱۷}

ملک سعود پادشاه وقت عربستان به آیت‌الله بروجردی چند جلد قرآن و قطعاتی از پرده کعبه هدیه فرستاد و در ضمن از ایشان درخواست ملاقات کرد. معظم‌له اگرچه این دیدار را به دلایلی نپذیرفت، ولی از این فرصت در راستای تحقق اهداف تقریب بین مذاهب بهره جست و در نامه‌ای تشکرآمیز، حدیث مفصلی از امام صادق علیه السلام که شامل نزدیک به چهارصد مورد از احکام مناسک حج بود، برایش فرستاد که این حدیث شریف از طرق اهل سنت نقل شده و در کتب صحاح سته و غیر آن هم آمده است.^{۱۸}

معظم‌له می‌خواست به پادشاه عربستان بفهماند که می‌توان مراسم بزرگ کنگره حج را با روایات و مبانی مشترک و مورد قبول همه فرقه‌ها و به طور یکسان، هماهنگ و یکصدا برگزار کرد و از این تجلی‌گاه توحیدی، بیشترین و بهترین بهره‌برداری را به نفع جهان اسلام و مسلمانان انجام داد. این نامه در آن ایام مورد استقبال محافل علمی و رجال دینی

و مذهبی جهان اسلام قرار گرفت و متن کامل آن در مجله «رسالة الاحکام» نشریه وابسته به «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» و در بعضی روزنامه‌ها و مجلات کشور عربستان به چاپ رسید. در آن سال بعضی از علمای قم که در ایام حج به آن کشور سفر کرده بودند، این روزنامه‌ها را با خود به ایران آوردند.^{۱۹}

نامه آیت‌الله به سفیر عربستان

نامه تاریخی آیت‌الله بروجردی رحمته به پادشاه عربستان، خطاب به سفیر وقت عربستان در ایران ارسال شده و متن ترجمه به فارسی آن به ترتیب نیز می باشد:

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام الله عليكم ورحمته.

همانا نامه شما به وسیله آقای یوسف بوعلی به دست ما رسید که به همراه آن، هدیه ارزشمندی را یادآوری کرده بودید و شامل ۱۵ نسخه قرآن کریم و قطعاتی از پرده کعبه شریفه و موارد دیگر بود و این که جلاله الملک (پادشاه عربستان) دستور داده است آنها را به من برسانید.

پس من در قبول آن متحیر شدم؛ زیرا رسم من این است که از پادشاهان و فرمانروایان هدیه قبول نکنم؛ اما وجود قرآن و قطعاتی از پرده کعبه شریفه در میان هدایا مرا واداشت آن را بپذیرم. لذا من نسخه‌های قرآن کریم و قطعات پرده کعبه شریفه را برداشتم و مابقی هدایا را به جناب عالی فرستادم. این هدیه از طرف من به شخص شما باشد تا در هنگام نماز و دعا مرا یاد کنید. و چون در این سال‌ها انجام حج به دست جلاله الملک است، حدیث مفصلی را در مناسک حج رسول الله صلی الله علیه و آله می فرستم که آن را مسلم در صحیح خود و ابوداود در سنن خود روایت کرده‌اند و از این حدیث بیشترین احکام حج - اگر نگوییم تمام آن - استفاده می شود. شما آن را از طرف من به جلاله الملک هدیه کنید و سلام و تحیات مرا به او برسانید.

از خداوند «عزّ شأنه» مسئلت دارم دل‌های مسلمانان را به هم نزدیک کند و آنها را در برابر دشمنان متحد و ید واحده قرار دهد و همه را متوجه سازد که به قول خدای متعال «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» عمل کنند و از پشت به هم کردن و با هم دشمنی نمودن و پیروی از هواهای نفسانی که موجب تفرقه می‌شود، اجتناب نمایند و ملزم به قول خداوند «یا ایها الذین آمنوا اذا ضربتم

فی سبیل الله فتبینوا ولا تقولوا لمن القی الیکم السلام لست مؤمنا تبتغون عرض
الحیة الدنیا» شوید. والسلام علیکم ورحمه الله.^{۲۰}

آیت الله سید موسی شیرازی زنجانی در اهمیت این نامه می فرماید:

آقای بروجردی این نامه را به «حمزه غوث» سفیر عربستان در ایران نوشته است...
به نظرم از آقای حاج آقا رضا صدر شنیدم این اقدام مرحوم آقای بروجردی
در مجامع اهل سنت خیلی به عظمت تلقی شده بود؛ چون علمای اهل سنت
غالباً جیره خوار دولت‌ها و حکومت‌ها هستند و عدم اعتنای عالم بزرگ شیعه به
زخارف دنیوی و عدم قبول هدایا از ملوک، برای آنها خیلی مهم جلوه می‌کرد.
علاوه بر این، استثنا کردن قرآن و پرده کعبه با عبارت «الزمنی قبولها» در این
جهت بیشتر موثر بود.

یک وقت من به آقای بروجردی عرض کردم: جواب نامه‌ای که حضرت عالی
مرقوم فرمودید در مجامع اهل سنت خیلی با اهمیت تلقی شد. آقای بروجردی
فرمود: عجیب این بود که ملک با این که متصدی امر حج است، وقتی نامه به
دستش رسید، گفته بود به منبع مذکور مراجعه کنند و وقتی این حدیث طولانی
را که از حضرت امام باقر (علیه السلام) نقل شده^{۲۱} دید، گفته بود: ما این حدیث را ندیده
بودیم.^{۲۲}

مطلب مهم دیگری که در نامه است و نباید از آن غافل شد، این است که مرحوم آیت الله
بروجردی به عنوان مرجع تقلید مطلق جهان تشیع و با آن عظمت و جایگاه معنوی و علمی،
از یک فرد سنی مذهب و سفیر وقت عربستان در ایران درخواست می‌کند که هنگام نماز
و عبادت، ایشان را دعا کند و این نشان از عمق حسن نیت معظم له به برادران اهل سنت
است.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت: مرحوم آیت الله بروجردی به نوعی تقریب فقهی
میان مذاهب معتقد بود. ایشان بر این امر تأکید داشتند که علت عمده اختلاف میان مذاهب،
فقه است و در عین حال، همین فقه می‌تواند از عوامل تقریب باشد و می‌فرمود:
اهل سنت فقهی دارند که متخذ از کتاب و سنت ثابت نزد خودشان است.
ما نیز فقهی داریم که بر اساس کتاب و روایات اهل بیت تدوین شده است؛
لذا باید این دو رشته فقه را با بی‌طرفی مورد توجه قرار داد و آن دو را با هم

تطبیق و به هم نزدیک کرد و زمینه‌های اختلاف و وفاق را حتی‌الامکان پیدا کرد.^{۲۳} او علاقه داشت فقهی را پی‌ریزی کند که روایات شیعه و سنی و فتاوا و استدلال‌های هر دو گروه در آن باشد تا روشن شود برای همگان که این نظریات و روایات چقدر با هم مرتبط هستند.^{۲۴}

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ . علی دوانی، زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع، آیت‌الله بروجردی، ص ۹۳ و ۹۶.
- ۲ . مجله حوزه، ش ۲۳، ص ۴۲.
- ۳ . چشم و چراغ مرجعیت، ص ۱۲۷.
- ۴ . محمد واعظزاده خراسانی، زندگی آیت‌الله العظمی بروجردی، ص ۸۴.
- ۵ . ر.ک: خاطرات آیت‌الله مسلم ملکوتی.
- ۶ . همان، ص ۸۸.
- ۷ . چشم و چراغ مرجعیت، ص ۱۷۱ و ۲۳۳.
- ۸ . مرتضی مطهری، شش مقاله، ص ۲۶۰ و تکامل اجتماعی انسان، ص ۲۰۴.
- ۹ . زندگی آیت‌الله بروجردی، ص ۳۷۰ - ۳۶۹.
- ۱۰ . چشم و چراغ مرجعیت، ص ۱۳۵.
- ۱۱ . همان
- ۱۲ . همان، ص ۲۳۲.
- ۱۳ . در توضیح این مهم ر.ک: منبع پیشین، مصاحبه‌های حضرات آیات: شیخ علی‌پناه اشتهااردی و شیخ جعفر سبحانی.
- ۱۴ . صحیفه حوزه، روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۳۷۹/۱۱/۳، ص ۸.
- ۱۵ . زندگی آیت‌الله بروجردی، ص ۹۰ و ۹۱.
- ۱۶ . همان.
- ۱۷ . همان.
- ۱۸ . مجله حوزه، ش ۴۴ - ۴۳، ص ۸۳.

۱۹. زندگی آیت‌الله بروجردی، ص ۳۷۷.

۲۰. متن عربی این نامه در کتاب جرعه ای از دریا، آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی، ج ۳، ص ۵۰۱ آمده است.

۲۱. این حدیث را امام صادق از پدرش امام باقر علیه السلام نقل می‌کند. به همین سبب در برخی نقل‌ها به امام ششم نسبت داده شده و هر دو صحیح است.

۲۲. همان، ص ۵۰۲.

۲۳. همان، ص ۹۰.

۲۴. چشم و چراغ، مرجعیت، ص ۲۳۵.